

استیون‌های ایرانی

به‌بهانه اخراج بیش از ۱۰۰ مهاجر
هموطن از خاک آمریکا

علی ورامینی

دبیر گروه فرهنگ

استیون، برده سیاه‌پوست ارتقایافته فیلم «جانگوی رهاشده»، یکی از هوشمندانه‌ترین شخصیت‌های فیلم‌های تارانتینوست. استیون با بازی ساموئل ال جکسون، برده سابق است که با خوش خدمتی به ارباب، حال‌دست‌راست او شده است و در ظلم به برده‌های مززع، جدی‌تر از بقیه نژادپرستان و قاتلان سفیدپوست است، حتی آنها را برای تحقیر، «کاکاسیا» صدامی کند. منش استیون که برای هر بیننده‌ای عجیب جلوه می‌نماید و شاید هم دور از واقعیت، به‌احتمال زیاد متأثر از ایده کتاب «صورت سیاه و ماسک سپید»، اثر ارنست فانون یا نظراتی ازابن‌دست است. فانون معتقد است که استعمار نه‌فقط بدن‌ها، بلکه ذهن و زبان قربانیان را تسخیر می‌کند. در نگاه او، مرد سیاه‌پوستی که در جامعه سفید استعمارگر رشد می‌کند، می‌خواهد «سفید شود» تا پذیرفته شود و از سیاه‌پوستی خودش احساس شرم می‌کند. استیون دقیقاً تجسم همین وضعیت است. او می‌خواهد به ارباب سفیدش شبیه باشد، از زبان و رفتار او تقلید می‌کند و از سیاهان دیگر بیزار است؛ چون یادآور ضعف و طردشدگی خودش هستند. برای درک وضعیت استیون از نظریه‌ها و رویکردهای دیگری هم می‌توان کمک گرفت و حتماً آنان که علاقه دارند، می‌دانند کجا دنبالش بگردند. آنچه بهانه نوشتن این سطور شد، نقش استیون‌های ایرانی در وضعیت اسفبار مهاجران ایرانی اخراج‌شده از آمریکا است. در خبرها شنیده‌اید؛ بیش از یکصد مهاجر بخت‌برگشته، چندروز پیش به‌زور دولت قلدر ترامپ، سوار هواپیما شدند تا پرورنده «رویای آمریکایی‌اشان برای همیشه‌مختوم‌شود. این تنها توافق میان ایران و آمریکا (که البته آخرین توافقی بود که مردم به آن نیاز داشتند) قابل پیش‌بینی بود. ترامپ در دوره اخیر کاندیداتوری‌اش وعده کرده بود که با مهاجران بیش‌ازبیش ستیز خواهد کرد و او نشان داده که در وعده‌های‌رنیلا نه‌اش همیشه استعمار دارد. اخراج این ۱۰۰ نفر و چندصنفر بعدی که در انتظارند، مُهر باطلی است بر نظریاتی که می‌گفتند، ایرانیان آمریکا همیشه از عزت و احترام زیادی نسبت به دیگر مهاجران بر‌خوردارند، چرا که آنها همه از نخبگان جامعه‌ها مران هستند و چه و... عجیب‌ترین آدم‌ها در این میان استیون‌های ایرانی بودند. جماعتی از مهاجران خارج از کشور و حتی مردمانی از داخل که دل به آمدن ترامپ بسته بودند. بعضی از هموطنان مهاجر خارجی حتی کمپین‌هایی تشکیل دادند برای حمایت از این رچاله قرن، آنها اسودای استیون‌شدن داشتند و در ذهن‌شان چنین می‌پنداشتند که ایرانی‌بودن آنها با ایرانی‌بودن دیگران متفاوت است. خودشان را یحتمل کله‌سیاه‌های خوش‌خیم برای نظام فاشیستی ترامپ می‌پندارند. آنان پیشاپیش نظام کاستی ترامپ را پذیرفته‌اند، ولی این توهم را دارند که هرکدام از آنها می‌توانند استیونی برای ارباب باشند. در میان این بشرهای ابوالعجائب، یکی بیش از همه غریب به چشمانم آمد. چندماه بعد از روی کار آمدن ترامپ، خانم ۴۰ ساله ایرانی‌ای که از سمسالگری در آمریکا زندگی می‌کرد، توسط‌امورآن مهاجرت‌دستگیر شده بود و به کمپیی منتقل. تا اینجا ی که هم عجیب نیست، اما حرف‌های این خانم در بازداشت به بی‌بی‌سی انگار احضار روح استیون در کالبدزنی ایرانی بود. او گفته بود: «ترامپ کار درستی انجام می‌دهد، چون خیلی از این افراد لیاقت حضور در اینجا را ندارند. من تا روزی که بمیرم از او حمایت خواهم کرد. او عظمت را دوباره به آمریکا برمی‌گرداند.» این خانم که چندسال پیش در آمریکا به‌جرم سرقت دستگیر شده بود، به بی‌بی‌سی فارسی گفته بود: «اراداندازی بزرگ‌ترین برنامه اخراج مجرمان در تاریخ توسط ترامپ وعده‌ای است که او، همسرش و مادرش هنوز به آن ایمان دارند.» نمی‌دانم این خانم که به‌گفته خودش «به‌مدت سه‌روز در اتاقی بسیار سرد با چراغی که همیشه روشن بود، همراه ۲۸ زن دیگر نگهداری می‌شده و با خوردن تنقلات و یک بطری آب در روز، زنده مانده بوده...» در هواپیمای حامل مهاجران بوده است یا خیر، اما بعید می‌دانم در هر وضع و حالی، از این چهل مرکب بیرون بیاید. او در نهایی به این فکر می‌کند که اشتباه شده است، او یا دیگر مهاجران غیرمطلوب متفاوت است. در آخرین سکانس‌های «جانگوی رهاشده»، آنجا که جانگوی برای انتقام به مزرعه بازمی‌گردد و می‌خواهد تیراندازی را شروع کند، به بردگانی می‌گوید که صحنه را ترک کنند، استیون هم می‌خواهد که چنین کند اما جانگو به او می‌گوید که نه، نه. تونه. امیدوارم هموطنان حامی ترامپ ما پیش از اینکه به این مرحله برسند، متوجه این نکته‌شوند که سازوکار سلسله‌مراثی ترامپ در نهایی هیچ ایرانی‌ای را تافته جدابافته نمی‌داند. ایرانی برای ترامپ و قریب‌به‌اتفاق سیاستمداران و مردمان جهان، یک ایده است که با سیاست ساخته و بارشانه‌بازنمایی می‌شود؛ همانطور که ما ایده‌هایی از آمریکایی، نروژی، افغانستانی، عربستانی و... داریم. شورش‌بخانه استیون‌ها نمی‌دانند هر چقدر هم کلاه‌لیسی ارباب کنند، در نهایی همه‌بایک اسم کلی شناخته‌می‌شوند. عزت و ولت ما جمعی است، جداجدا عزت‌مند نمی‌شویم.

نگارنده: محمد رضا علی‌هدی، ایران

۱۶
۲۴ ساعت

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیر مسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمد جواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



سانسور یا کپی‌رایت گزینشی؟

بررسی قوانین جدید سازمان لیگ که محدودیت‌های بسیاری
را برای خبرنگاران ایجاد کرده است

گروه ورزش هم‌میهن: سه‌روز پیش خبری در رسانه‌ها منتشر شد مبنی بر اینکه، خبرنگاران در جایگاه خبرنگاران و هواداران فوتبال روی سکوها و عکاس‌ها حق فیلمبرداری و گرفتن عکس از مسابقات را ندارند. موضوعی که با واکنش‌های مختلفی همراه شد و بسیاری بر این عقیده بودند که سانسور گسترده و حذف رسانه‌ها به‌دلیل مخفی کردن شرایط نامناسب ورزشگاه‌ها در دستور کار قرار گرفته است. سازمان لیگ معتقد است، در راستای رعایت قوانین کپی‌رایت مثل همه جای دنیا قرار است رسانه‌ها بابت فیلم و عکس گرفتن، هزینه پرداخت کنند. موضوع مهمی که تصمیم‌گیری با حجت‌الله بهمنی، مدیر روابط عمومی سازمان لیگ فوتبال ایران در میان بگذاریم تا صحت و سقم این ماجرا را جویا شویم.

شایعه یا واقعیت

اخیراً سازمان لیگ فوتبال ایران در تازه‌ترین تصمیم خود اعلام کرده است که خبرنگاران، عکاسان اجازه فیلمبرداری و انتشار تصاویر از داخل ورزشگاه‌ها را نخواهند داشت؛ مگر اینکه حق پخش را از سازمان لیگ و شرکت کارگزار خریداری کنند؛ موضوعی که تحت عنوان «سانسور» رسانه‌ای بازتاب ویژه‌ای داشت چون بر کسی پوشیده نیست که قانون کپی‌رایت در فوتبال ایران آنطور که باید، رعایت نمی‌شود. حجت‌الله بهمنی، رئیس سازمان لیگ، در گفت‌وگو با هم‌میهن توضیح می‌دهد: «برداشت اشتباه شده است. ما نگفته‌ایم ورود موبایل یا دوربین برای مردم و هواداران ممنوع است. موضوع این است که برخی سایت‌ها و شبکه‌های تلویزیونی بدون هماهنگی وارد ورزشگاه می‌شوند و با موبایل یا دوربین‌های نیمه‌حرفه‌ای تصویربرداری می‌کنند و از طرف دیگر، برای کانال‌های تلگرامی و اینستاگرامی خود تولید محتوا می‌کنند، بدون اینکه هزینه آن را پرداخت کنند.»

بهمنی با یادآوری این موضوع که پرداخت‌ها در کشورهای دیگر صورت می‌گیرد، ادامه می‌دهد: «این سایت‌ها و شبکه‌ها باید مثل همه جای دنیا با ما قرارداد ببندند و هزینه تصویربرداری را بپردازند. در هیچ جای جهان خبرنگار یا رسانه‌ای اجازه ندارد بدون مجوز، از جایگاه رسانه‌ای تصویربرداری کند. درحالی‌که برای مردم عادی و هواداران، هیچ مانعی در زمینه گرفتن عکس و فیلم از جایگاه تماشاگران وجود ندارد. اگر عکاسی آی‌دی کارت سازمان لیگ را گرفته، می‌تواند برای رسانه خود عکس بگیرد؛ اما حق ندارد در اینستاگرام یا سایر پلتفرم‌ها منتشر کند، ضمن اینکه طبق قانون عکاس‌ها حق فیلمبرداری ندارند.»

تکذیب سانسور

یکی از مواردی که در رسانه‌ها سروصدای زیادی به‌پا کرد، بحث ممنوعیت استفاده از موبایل برای مخابره تصاویر درون ورزشگاه‌هاست. این‌طور تصور شد که باتوجه به وضعیت نامناسب ورزشگاه‌ها، به خبرنگاران و عکاس‌ها گفته شده، شما حق تصویربرداری ندارید. موضوعی که بهمنی این‌طور به آن واکنش نشان می‌دهد: «متأسفانه یکی از سایت‌ها چنین خبر کذب را منتشر کرد که ما هرروز باید درموردش صحبت کنیم. به هیچ عنوان هدف ما سانسور یا حذف صدای رسانه‌ها نیست. اتفاقاً ما از انتقاد استقبال می‌کنیم ولی در همه جای دنیا خبرنگار با عکاس نمی‌تواند بدون مجوز و پرداخت هزینه‌های مربوط به قوانین کپی‌رایت از مسابقه فیلم یا عکس بگیرد. از طرف دیگر عقل سلیم می‌بیند که یکسری مشکلات در ورزشگاه شهر قدس و تختی وجود دارد، ما حتی اگر مانع شدیم هم مگر می‌شود ۳۰ هزار نفر در ورزشگاه تختی فیلمی بگیرند؟ بنابراین این صحبت کذب مطلق است و اصلاً موضوعیتی ندارد که خیلی خودمان را درگیرش کنیم. مگر می‌توانیم کاستی‌های ورزشگاه شهر قدس یا تختی را به مردم نگوییم؟ محروم کردن چهار خبرنگار و عکاس، مگر

شدنی است که نقایص پوشیده شود؟ ضمن اینکه باید صادق باشیم، وقتی عکس از رختکن ورزشگاه شهر قدس خارج می‌شود، باید انصاف داشته باشیم و وقتی رختکن به خوبی هرچه تمام‌تر بازسازی می‌شود هم باید تصویر گرفته شود.»

سهم باشگاه‌ها از درآمد کپی‌رایت

سوال مهم دیگری که وجود دارد این است که بر فرض، رسانه‌ها بابت تصویربرداری از مسابقات زنده هزینه‌ای را به سازمان لیگ و بخش بازاریابی پرداخت کردند. دراین صورت هزینه‌های جمع‌آوری شده با چه مکانیزمی میان باشگاه‌ها باید تقسیم شود؟ موضوعی که بهمنی درباره آن می‌گوید: «۵۰ درصد درآمد حاصل از قانون کپی‌رایت که به حساب سازمان لیگ واریز می‌شود را به باشگاه‌های لیگ برتر به‌صورت کاملاً مساوی تقسیم می‌کنیم. درواقع ۵۰ درصد این مبالغ به‌صورت دراست برای تیم‌های باشگاهی در لیگ برتر است. ۲۰ درصد این مبلغ هم برای هیئت‌های فوتبال، سازمان لیگ، فدراسیون فوتبال و تیم‌های دسته یک یا همان لیگ آزادگان است. یک جدولی هم وجود دارد که براساس تعداد پخش زنده مسابقات، تیم‌ها از حق پخش سود می‌برند.»

ابهام و عدم شفافیت

باتوجه به صوبه سه‌هفته پیش در مجلس شورای اسلامی، باشگاه‌های فوتبال ایران تبدیل به مالکان انحصاری حق پخش مسابقات شدند که همین مسئله می‌تواند مورد اعتراض سازمان لیگ باشد، چراکه پیش‌تر حق پخش مسابقات در اختیار سازمان لیگ بود، ولی حالا که داستان تغییر کرده، باید دید این سازمان همچنان مالک خواهد ماند یا نه. درصورتی که باشگاه‌های ورزشی در ایران تبدیل به مالکان انحصاری حق پخش مسابقات شوند، درآمدزایی قابل‌توجهی خواهند داشت که گره‌گشای مشکلات‌شان می‌شود، اما در این بین باید دید تکلیف سازمان لیگ و خود سازمان صداوسیما که همواره از این طریق درآمدزایی چشمگیر داشتند، چه می‌شود؟! نمایندگان مجلس شورای اسلامی، فرصتی سه‌ماهه به وزارت ورزش و جوانان دادند تا این مسئله را پیگیری کند و حالا لازم است تا سازوکار کسب درآمد برای باشگاه‌ها، همچنین نقش سازمان لیگ و سازمان صداوسیما به‌طور دقیق مشخص شود.

قوانین خارجی چه می‌گوید

قوانین حق پخش تلویزیونی در فوتبال‌های روز دنیا به‌صورت شفاف در دسترس عموم قرار دارد. در بوندسلیگا کاملاً مشخص است که حق پخش تلویزیونی، توسط چه شرکتی و چه شبکه‌ای خریداری شده و میزان تقسیم‌پاداش‌ها بین تیم‌ها نیز به‌طور کاملاً شفاف تقسیم می‌شود. به‌همین دلیل است که تیم‌ها در کنار تلاش برای خوشحال کردن هواداران‌شان، برای کسب درآمد بیشتر از حق پخش تلویزیونی و تبلیغات محیطی تلاش بیشتری می‌کنند. در فوتبال ایران اما هنوز این مسئله شفاف نیست و اصلاً مشخص نشده که شرکتی که حق پخش تلویزیونی را خریده نام‌اش چیست و از کجا آمده است. اگر بپذیریم که خبرنگاران حق ندارند از جایگاه خبرنگاران، عکس یا فیلم از مسابقات بگیرند، این استدلال بخش دومی هم دارد که در ساختار فوتبال ما مفقود است. یعنی در همه‌جای دنیا به‌صورت شفاف اعلام می‌شود که قرارداد انحصاری با چه شرکتی درخصوص حق پخش بسته شده و خبرنگاران یا رسانه‌های مختلف باید با آن شرکت مذاکره و قرارداد امضاء کنند. بهمنی، قویاً موضوع سانسور و حذف صدای رسانه‌ها را رد می‌کند و می‌افزاید: «اصلاً ما هدفی برای حذف صدای رسانه‌ها نداریم. اتفاقاً از کاستی‌هایی که وجود دارد، فرار نمی‌کنیم بلکه به‌دنبال رفع آن هستیم. از رسانه‌ها درخواست می‌کنم که موضوعی را نصفه‌نیمه مطرح نکنند، بلکه حقایق را آنطور که هست عنوان کنند.»

چهره

صادر نشدن ویزای آمریکا برای پناهی

جعفر پناهی، کارگردان ایرانی فیلم یک تصادف ساده از حضور در جشنواره فیلم نیویورک باز ماند. دلیل چیست؟ دولت آمریکا برای او ویزا صادر نکرده است. پناهی که در دوران کاری خود برای فیلم‌هایی مثل «دایره» و «تاکسی»، شیر طلایی ونیز و خرس طلایی برلین را دارد، چندی پیش برای فیلم «یک تصادف ساده» از جشنواره کن نخل طلا گرفت و این روزها در کانون توجه است. فیلم اخیر او به‌صورت مخفیانه و بدون مجوز در داخل ایران ساخته شده و موضوعی سیاسی دارد. این فیلم قرار است نماینده کشور فرانسه در رقابت‌های اسکار ۲۰۲۶ باشد. قرار بود اولین نمایش فیلم، در جشنواره نیویورک باشد که ویزای سازنده‌اش به‌موقع صادر نشد. دولت آمریکا از ۳۰ سپتامبر در پی اختلاف‌نظرها بر سر بودجه، تعطیل است و همین موضوع موجب بازماندن پناهی از جشنواره شد. با اینکه نقدها درباره فیلم «یک تصادف ساده» ترکیبی از تحسین و انتقاد است، بسیاری احتمال می‌دهند باتوجه به سوابق سیاسی کارگردان و تجربه‌های زندان و محبوسیت، به‌ویژه حضور تهیه‌کنندگان فرانسوی برای معرفی و نمایش فیلم جوایز دیگری هم دریافت کند.

گرچه راه درازی تا فصل جوایز مانده، اما فعلاً با اتفاق‌هایی که حواس‌ها را به‌سمت پناهی و فیلم‌اش برمی‌گرداند، شگفتانه‌ای در کار نخواهد بود.

کتابخانه

ابعاد پنهان زندگی در جنوب تهران

کتاب «افیون‌زدگان» نوشته اصغر ایزدی جیران به‌تازگی از سوی نشر نی چاپ شده که حاصل یک پژوهش مردم‌نگارانه عمیق و میدانی در جنوب تهران است. این مردم‌شناس در جدیدترین اثر پژوهشی خود تجربه‌های زیسته مهاجران تپی دست‌بلوچ‌وبی‌خانمان‌های درگیر اعتیاد را روایت کرده است. اصغر ایزدی جیران در کتاب «افیون‌زدگان» با تکیه بر مشاهده مشارکتی و رویکردی همدلانه، علاوه بر روایت زندگی در محله‌های «لب‌خط» و «دروازه غار» دوستی و همدلی را با ساکنان آن‌ها تجربه کرده است. به‌عبارت دیگر، این کتاب تلاش می‌کند تا تصویر یک‌سویه و کلیشه‌ای از این محله‌ها را از بین ببرد و در کنار تلخی اعتیاد، از لحظه‌های روشن، رفاقت‌ها، مقاومت‌ها و راهبردهای بقا هم سخن بگوید. همچنین ایزدی جیران با نگاهی انتقادی به سیاست‌های مقابله با مواد، نشان می‌دهد که چگونه این سیاست‌ها اغلب بدون توجه به ریشه‌های ساختاری فقر و اعتیاد، صرفاً به سامان‌دهی سطحی می‌پردازند. در کل، مطالعه «افیون‌زدگان» برای کسانی که می‌خواهند جامعه‌رانه از پشت‌پرده‌های اتاق‌های اداری، بلکه از کف خیابان و در گفت‌وگوی بی‌واسطه با زیست واقعی انسان‌ها بشناسند، گزینه جذابی است. این کتاب را نشر نی در ۱۸۲ صفحه و به قیمت ۲۶۰ هزار تومان منتشر شده است.



افیون‌زدگان

نویسنده:

اصغر ایزدی جیران

نشر: نی

تاریخ

روز جهانی معلم



در سال ۱۹۶۶ توصیه‌نامه‌ای در ارتباط با وضعیت معلمان، استانداردهایی در ارتباط با تدریس، سیاست پرسنل آموزش و پرورش و استخدام و آموزش معلمان در سازمان جهانی یونسکو نگارش

و به امضاء درآمد و پس از آن در سال ۱۹۹۴، سازمان جهانی یونسکو ۵ اکتبر را به‌عنوان روز معلم معرفی کرد. هدف از نام‌گذاری این روز تمرکز بر قدردانی، ارزیابی و ارتقای مربیان جهان و ایجاد فرصتی برای بررسی مسائل معلمان و آموزش است. برای بزرگداشت روز جهانی معلم، یونسکو و سازمان بین‌المللی آموزش (EI) هر ساله کمپینی را راه‌اندازی می‌کنند تا به جهانیان در درک بهتر معلمان و نقشی که در توسعه دانش‌آموزان و جامعه ایفا می‌کنند، کمک کنند. به‌عنوان مثال، «توانمندسازی معلمان» موضوع سال ۲۰۱۷ بود و در سال ۲۰۱۸، یونسکو شعار «حق آموزش به‌معنای حق بر خورداری از معلم واجد شرایط است» را برگزید. شعار امسال روز جهانی معلم نیز «بازتعریف معلمی به‌عنوان حرفه‌ای همکاری محور و مشارکتی» است و طبق آن، سیاست‌های آموزشی باید به‌گونه‌ای باشند که همکاری، بازخورد و یادگیری مشترک بخشی از زندگی روزانه معلمان شود.